**اختلاس هفت میلیارد یورویی نه اولین و نه آخرین است**

**حسن صالحی**

جمهوری اسلامی فقط در زمینه جنایت رکوردار نیست. این رژیم در زمینه چپاول و فساد مالی نیز هر بار رکورد تازه ای را از خود برجای می گذارد. در جریان دادگاه فساد مالی در شرکت بازرگانی پتروشیمی معلوم شده است عددی به بزرگی ۶.۶ میلیارد یورو ملا خور شده است. این رقم اختلاس در مقایسه با پرونده بابک زنجانی سه برابر است. این دزدی معادل حقوق متوسط ماهانه بیش از ٦٠ هزار کارگر یا معلم است. آنهم بشرطی که حقوق آنها از یک میلیون تومان بیشتر باشد. می گویند این بزرگترین اختلاس تاریخ جمهوری اسلامی است. اما حقیقت چنین نیست چرا که جمهوری اسلامی خود حکومت اختلاس گران و دزدان است و این فقط گوشه ای از دزدی های آنهاست که حالا به هر دلیل رسانه ای شده است.

خشم و نارضایتی مردم از فقر و نداری در جامعه و مقایسه زندگی فقیرانه خود با حکومتیان و عواملشان که از قبل زحمات آنها و غارت ثروت جامعه پولهای افسانه ای به جیب می زنند، باعث شده که جمهوری اسلامی برای خواباندن خشم مردم هر از گاهی عده ای را قربانی کند. پتروشیمی مورد آخر آن است ولی آخرین نخواهد بود و باید انتظار داشت موارد دیگری هم رسانه ای شوند.

مشکل جمهوری اسلامی یک و یا دو مورد دزدی و فساد نیست. جمهوری اسلامی حکومت دزدان است. دستگاه حکومتی در ایران فقط مظهر دولت سرمایه داری درایران نیست بلکه خود مستقیما از باندها و نهادهای مالی متفاوتی تشکیل شده است که دولت را سکویی برای چپاول و غارت خود قرار داده اند. به این معنا فساد و دزدی در جمهوری اسلامی ساختاری است. در همه جوامع سرمایه داری فساد وجود دارد. نفس سیستم سرمایه داری بر استثمار و بالا کشیدن ارزش تولید شده از کار کارگر بنا شده است. اما سرمایه داری نوع جمهوری اسلامی یک سرمایه داری مافیائی و چپاول آشکار است و تماما بر اساس دزدی و فساد آشکار بنا شده است. در پشت ارز دونرخه، رانت خواری، قاچاق کالا و کسب و کار تحریم، بخشهای مختلف حکومت قرار دارند. سپاه پاسداران خود یکی از بزرگترین بنگاههای اقتصادی در ایران است و از او بارها بعنوان "برادارن قاچاقچی" اسم برده شده است. بیت رهبری و آستان قدس رضوی و هزار و یک نهاد حکومتی دیگر، دستگاه قضایی با حسابهای بیشمار بانکی اش، همه آیت الله های ریز و درشت جمهوری اسلامی و " آقازاده ها" و "بخش شبه دولتی" همگی در غارت و چپاول ثروت جامعه نقش دارند. دزدان بعضا بر سر سهم بیشتر از این دزدی ها با یکدیگر دعوا می کنند و پته همدیگر را روی آب می ریزند و در مواردی نیز کار به تشکیل دادگاه می انجامد که یکی محاکمه شود تا باقی دزدان با خیال راحت به دزدی ادامه دهند.

مشکل مردم کل این نظام سرتاپا فساد و دزدی است. فرقی نمی کند که نامشان چه باشد. فرقی نمی کند که به دادگاه کشیده شده باشند و یا در روز روشن به دزدی های خود ادامه دهند. فرقی نمی کند به خارج گریخته اند و یا در داخل به دزدی ها ادامه می دهند. فرقی نمی کند اصولگرا هستند و یا اصلاح طلب. فرقی نمی کند به اپوزیسیون پرو رژیمی تبدیل شده اند و یا مکتبی هستند. خیر و برکات این رژیم برای کسانی که در رکابش شمشیر زده اند از جمله بدست آوردن ثروت های نجومی بوده است. مردم به همه اینها به یک چشم نگاه می کنند. دزدانی که با سرکوب دولتی حق و حقوق آنها را نمی پردازند، آنها را به زندگی با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر محکوم می کنند و خود با ثروت های کلان و افسانه ای بهترین زندگی را دارند. کسانی که با چنگ انداختن بر ثروت اجتماعی به جای استفاده از این منابع در جهت رفاه و اسایش مردم، به غارت و چپاول این منابع مشغولند و پولها را به جیب گشاد خود روانه میکنند. کل حکومت در ایجاد و حفظ سیستم اقتصادی فاسد موجود ذیسهم و ذینفع است. شعار کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان در پاسخ به اینها اینست: "سرمایه دار دزد و مفتخور نمیخواهیم"

مردم بارها در اعتراضات خود به وجود اختلاف عمیق طبقاتی در جامعه اشاره داشته اند. بارها شعار داده اند که با پولهای چند مورد اختلاس حکومتی بسیاری از مشکلات اقتصادی آنها می توانست حل شود. و همه اینها حقیقت دارد. علیرغم ادعاهای کذایی جمهوری اسلامی دزدسالاری اسلامی سرمایه قابل اصلاح نیست و هر نوع اصلاح و تغییر جدی در سیستم اقتصادی موجود در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است. راه حل این است که این رژیم فاسد و جنایتکار به زیر کشیده شود و به حاکمیت سیاسی و اقتصادی سرمایه داری در ایران پایان داده شود.